

تأثیر دگرگونی شیوه زندگی بر کالبد معماری و تزئینات خانه‌های مشهد در دوره انتقال^۱

سپیده موسوی، دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

محسن طبسی^۲، دانشیار پژوهش هنر، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

فاطمه مهدیزاده سراج، استاد، مرمت و معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده

از اواسط دوره صفوی بود که اندیشه و فرهنگ غربی به دنیای سنتی ایرانیان رخنه کرد. توسعه روابط بین ایران و فرنگ، تغییر ساختار قدرت، بازگشت تحصیل کرده‌های فرنگ، حضور باستان شناسان و معماران اروپایی، گرایش‌های متجددانه، ملی‌گرایانه و خوی نظامی‌گری رضاشاه و ... سبب تغییرات چشمگیری در شیوه زندگی و به تبع آن، معماری خانه‌ها شدند. هدف اصلی تحقیق حاضر، شناخت تأثیر تغییرات سبک زندگی در دوره انتقال (اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول) بر معماری خانه‌های شهر مشهد است. با توجه به هدف مذکور، پرسش اصلی این است که دگرگونی در شیوه زندگی مردمان، چه تأثیری بر کالبد معماری و تزئینات خانه‌های مشهد داشته است؟ رویکرد روش‌شناختی تحقیق، اثبات گرایانه است و از منظر روش، هم از روش تاریخی و هم از روش توصیفی تحلیلی بهره گرفته شده است. داده‌ها نیز با دو شیوه اسنادی و میدانی فراهم آمده‌اند. بر اساس برخی معیارها، از مجموع بیش از هفتاد باب خانه تاریخی شناسایی شده در مشهد، تعداد ۲۵ باب از خانه‌ها (بیش از ۳۰ درصد از جامعه آماری) به‌عنوان نمونه برگزیده شده‌اند؛ ده باب خانه مسکونی از دوره قاجار و پانزده باب منزل از دوره پهلوی اول.

یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شهر مشهد (که سبب بروز تحولاتی چشمگیر در شیوه زندگی مردمان شد) در طی یک بازه زمانی کوتاه خود را در کالبد معماری خانه‌ها نیز نشان داد. حتی وجود عنصر قدرتمندی همچون مذهب نیز عملاً نتوانست مشهد را از تغییر و تحولات عمده اجتماعی (که در سطح کشور در حال شکل‌گیری بود) به دور نگاه دارد. فرو نهادن اجباری حجاب، سبب نادیده انگاشتن عنصر محرمیت در خانه‌ها شد. شکل‌گیری طبقات جدید لشکری و کشوری، کم‌رنگ شدن عدالت اجتماعی را در پی داشت و باعث شکل‌گیری خانه‌هایی در مقیاس‌های بزرگ، متوسط و کوچک شد. یکسان‌سازی دستوری همه ظواهر تمدنی (از لباس تا معماری و ...) حق انتخاب را از شهروندان گرفت و تزئینات را که بخشی مهم از معماری خانه‌های ایرانی بود به ورطه نابودی کشاند.

واژگان کلیدی: شیوه زندگی، معماری، خانه، مشهد، دوره انتقال.

The Impact of Lifestyle Change on the Architecture and Decorations of Mashhad Houses during the Transition

Abstract

It was from the middle of the Safavid period that Western thought and culture penetrated the traditional Persian world. The development of relations between Iran and the Western world, the transformation of power structures, the return of graduates from Europe, the presence of European archaeologists and architects, modernist, nationalistic, and militaristic tendencies of Reza Shah and more have led to dramatic changes in lifestyle and, consequently, the architecture of houses. The study mainly seeks to identify the effects of lifestyle changes during the transition period (late Qajar period and Pahlavi I period) on the architecture of houses in Mashhad. According to the above purpose, the main question is, "How has the change in lifestyle of people affected the architecture and decorations of Mashhad houses?"

The methodological approach of the research is positivist and both historical and analytical descriptive methods have been used. Data is provided by both documentary and fieldwork. According to some criteria, from a total of more than 70 historical houses identified in Mashhad, 25 houses (more than 30% of the statistical population) have been selected as samples; 10 residential houses of the Qajar period (including Balkhāst (demolished), Tavakoli, Darougheh, Ghafouri, Amiri, Hanāsāb (demolished), Dāvoudi, Rahimian, Malek and Nazeran) and 10 houses of the Pahlavi I period (including Barati, Bani Hashemi, Behzadian, Tamadoni, Tavakoli zadeh, Rajaei, Salari, Sarvghad, Talaei, Mojtahed zadeh, Majidian, Mousavi Parishani, Talat Mousavi, Molavi, Mirza Nazer).

Research findings show that:

- In Qajar period, 70% and in Pahlavid era 80% of the houses were built with two floors, and the construction of the basement for habitation was not so common;
- 100% of Qajar houses have introvert patterns, while 40% of the houses in the Pahlavi I period are completely extrovert and partly extrovert;
- The semi-open space is seen in four Qajar houses and six houses of Pahlavi I;
- The entrance of all Qajar samples is indirect, whereas in four houses of Reza Shah era the entrance is connected to the yard directly and without intermediary;
- Most Qajar houses in Mashhad lacked magnificent decorations, and the insignificant amount of decorations was sharply reduced during the Pahlavi I era.

The results of the research show that the political, social and cultural changes in Mashhad - which caused significant changes in the lifestyle of the people - were also influential in the architecture of houses in a short period of time. Even the existence of a powerful element such as religion could not keep Mashhad away from the major social changes - which were taking place throughout the country. Forcing the hijab to subjugate left the element of privacy in the home ignored. The formation of new military and civil classes brought about a diminished social justice, resulting in the emergence of large, medium-sized and small-scale houses. The systematic unification of all appearances of civilization (from dress to architecture, etc.) took the citizens' choice and put an end to the decorations which were an important part of the architecture in Iranian homes.

Keywords: Lifestyle, Architecture, House, Mashhad, Transitional Period.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری سپیده موسوی تحت عنوان گونه شناسی ساختار کالبدی معماری خانه‌های شهر مشهد در دوره انتقال؛ با تأکید بر شناخت عوامل تحول معماری است که به راهنمایی دکتر محسن طبسی و مشاوره دکتر فاطمه مهدیزاده سراج در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد در حال انجام است.

۲ نویسنده مسئول مکاتبات: شماره تلفن: ۰۹۱۵۵۱۳۹۷۸۸ . پست الکترونیک: tabassi_mohsen@yahoo.com

۱. مقدمه

به دنبال رویدادهای تاریخی در اواسط دوره صفوی، به تدریج اندیشه و فرهنگ غربی به دنیای سنتی ایرانیان نفوذ کرد. با توسعه روابط بین ایران و فرنگ در عصر قاجار، روند گسترش و فراگیر شدن فرهنگ غرب سرعتی دوچندان یافت. تغییر ساختار قدرت از قاجار به پهلوی و اندیشه‌های متجددانه رضاشاه نیز سبب شد تا گسست از دنیای سنتی تسریع یابد بدون آن که برای ورود به دنیای مدرن تمهیدی اندیشیده و زیرساختی فراهم آمده باشد. معماری (و به‌ویژه خانه) ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نبود.

بازگشت تحصیل کرده‌های معماری از فرنگ، حضور باستان شناسان (کیانی، ۱۳۸۳) و معماران غربی در ایران (بانی مسعود، ۱۳۹۱)، گرایش‌های ملی‌گرایانه (شیرازی و یونسی، ۱۳۹۰) و خوی نظامی‌گری رضاشاه (محمدی، ۱۳۷۴) و ... سبب شد که حلقه‌های به‌هم‌پیوسته معماری، از هم بگسلد و شیوه‌ای جدید پدید آید که در سال‌های بعد با رشد فناوری ساخت، افزایش قیمت زمین، سرازیر شدن درآمدهای نفتی و از همه مهم‌تر، تغییر در سبک و شیوه زندگی، راه به مسیری دیگر بُرد. همین موضوع در حوزه مباحث مربوط به خانه، پیچیدگی‌های بیشتری یافته است زیرا معماری خانه‌ها علاوه بر اینکه مستقیماً با شیوه و سبک زندگی مردم در ارتباط است، در قیاس با بناهای عمومی و دولتی نیز کمتر تابع دستور و ضابطه و عمدتاً بر پایه سلیقه‌ها و خواسته‌های شخصی کاربران بنا می‌شود.

بدون شک، یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ معماری ایران، اواخر دوره قاجار و آغاز سلسله پهلوی است. نزدیکی بیش از اندازه این دوران به روزگار حاضر سبب شده تا بسیاری از ارزش‌های معمارانه (به‌ویژه معماری مسکونی) دوره رضاشاهی به‌درستی درک نشده باشند و ویرانی شمار بسیاری از این خانه‌ها، طی سال‌های اخیر گواه این مدعاست. به این ترتیب و با مرور اجمالی تاریخ، مسئله پژوهش حاضر به زبان ساده به شرح زیر است،

در اثر تجددمآبی پادشاهان قاجار و پهلوی، سبک زندگی ایرانیان با سرعتی باورنکردنی دستخوش تغییرات شد. این تغییرات (که دربرگیرنده ابزار و فعالیت‌های جدید بود) بر کالبد معماری خانه‌ها تأثیراتی بر جای نهاد به‌نجوی که همه شهرهای کشور (و از جمله مشهد) به تدریج تغییرات کالبدی خانه‌ها را تجربه کردند. لذا این پژوهش بر آن است که به بازشناسی تغییرات اصلی در کالبد خانه‌های مشهد در اثر تغییر سبک زندگی در دوره انتقال بپردازد. بدین اعتبار، مسئله تحقیق دارای دو بُعد کلی است؛ نخست، مطالعه برخی ویژگی‌های کالبدی خانه‌های دوره انتقال مشهد؛ و دیگر، بازشناسی اثر تغییر در شیوه زندگی بر کالبد خانه‌ها.

بر اساس آنچه گفته شد هدف اصلی تحقیق حاضر عبارت است از شناخت تأثیر تغییرات سبک زندگی در دوره انتقال بر معماری خانه‌های شهر مشهد. با توجه به هدف مذکور، پرسش اصلی پژوهش این است که دگرگونی در شیوه زندگی مردمان مشهد، چه تأثیری بر کالبد معماری و تزیینات خانه‌های ایشان داشته است؟ و به اعتبار این سؤال، فرضیه‌ای بدین مضمون شکل می‌گیرد که تغییر در برخی از وجوه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم مشهد در دوره انتقال، سبب دگرگونی در شیوه زندگی و لاجرم، تغییر در کالبد معماری و تزیینات خانه‌های ایشان شده است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. **سبک زندگی**، سبک زندگی اصطلاحی است عام و عبارت است از روشی که مردم برمی‌گزینند که چگونه رفتار کنند تا شخصیتی متمایز داشته باشند (Rappaport, 1969, 15). مفهوم سبک زندگی به‌طور خاص به کیفیات زندگی، فعالیت‌ها و شیوه‌های خاص آن‌ها اطلاق شده که از منظر افراد، دربردارنده ایده آل‌های ایشان است. پیر بوردیو معتقد است که سبک زندگی، گونه‌ای نظام عملکردی است که دربردارنده طبقه‌ها و نشانه‌های متمایزکننده است (بوردیو، ۱۳۹۰، ۲۴). با این رویکرد، خانه فضایی است که دربردارنده کنش‌ها و واکنش‌های افراد ساکن در آن

نسبت به یکدیگر بوده و عناصر و سازمان فضایی آن نسبت به شیوه زندگی، دائماً در حال تغییر است.

پژوهش در مفهوم سبک زندگی از اوایل قرن بیستم توجه صاحب‌نظران را به خود معطوف داشت. در واقع، در آن روزگار متفکران به این نتیجه رسیده بودند که طبقه‌بندی جامعه صرفاً بر اساس اقتصاد، توان پاسخگویی به تحولات اجتماعی را ندارد. با رویکرد جدید، عوامل دیگری همچون آداب و رسوم، اعتقادات، جایگاه و منزلت انسان و ... نیز در طبقه‌بندی‌های جامعه، مؤثر هستند. در دهه‌های نخست قرن بیستم با یک دیدگاه روان‌شناختی، تعریفی از سبک زندگی ارائه شد که فرد را پدیده‌ای واحد و کامل می‌دانست و ارزش‌های او را در سبک زندگی وی تعیین‌کننده برمی‌شمرد و به همین اعتبار به تعداد نفوس جامعه، سبک‌های مختلف را برای زندگی متصور می‌دانست. از دهه ۱۹۸۰ ایده فردی بودن سبک زندگی با توجه به ویژگی‌های روزگار پست‌مدرن بازنگری شد و امروزه صاحب‌نظران با نگاهی متعادل‌تر، سبک زندگی را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که می‌تواند در سطح فردی یا جمعی مورد مطالعه قرار گیرد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱، ۱۲).

گروهی از اندیشمندان تغییر در سبک زندگی را برآمده از مدرنیسم می‌دانند که انسان را از قید و بند انتخاب‌های محدود سنتی رها نموده است. این گروه بر این باورند که صنعتی شدن، جامعه را به سمت تکثر در سبک زندگی هدایت نمود و بر همین مبنا هر آن‌قدر که جامعه به لحاظ شاخص‌هایی همچون ثروت، تحصیلات، فناوری، دموکراسی و ... پیشرفته‌تر باشد گوناگونی سبک‌های زندگی در آن جامعه نیز بیشتر به چشم خواهد آمد. یکی از دیگر از الگوهای نوگرایانه در سبک زندگی، الگوی سکونت‌گزینی است که از دهه ششم قرن بیستم مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی، علوم رفتاری، معماری و شهرسازی قرار گرفت. گیدنز معتقد است که در واقع، تجربه انسان از زندگی و هویت تغییر یافته و مدرنیته (با تمرکززدایی) راه ما را از سنت گذشتگان جدا ساخته است (گیدنز، ۱۳۸۸، ۶۲). بوردیو

شیوه زندگی را در دارایی‌ها و فعالیت‌های متمایزکننده محدود ساخته است (الفت و سالمی، ۱۳۹۳، ۲۰). سگالن، برگر، و نتلینگ (ونتلینگ، ۱۳۹۴) و ... نیز در خصوص شیوه و سبک زندگی نظرات گوناگونی ارائه داده‌اند که خلاصه‌ای از آن‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. برآیند نظریه‌های نوگرایانه در سبک زندگی و ارتباط آن با معماری مسکن (مأخذ: نگارندگان).

معماری و نظریه پرداز	محورهای اصلی نظریه	شاخصه‌های عینی مرتبط با سکونت‌گزینی
آموس راپاپورت	ایجاد طبقه اجتماعی بر مبنای اصالت انسان فعالیت‌های متمایزکننده	ضرورت سکونت‌گزینی ایجاد مسکن آرامی
پیر بوردیو	مالکیت؛ طبقه اجتماعی فعالیت‌ها و نشانه‌های متمایزکننده	ضرورت سکونت‌گزینی ایجاد مسکن مجلل (لاکچری)
آنتونی گیدنز	نفی سنت نسبی بودن معنای زندگی عدم تأثیر زمان و مکان (دهکده جهانی)	ظهور مدرنیسم در طراحی خانه ارزش معنوی مسکن؛ عدم تعلق کم‌رنگ شدن هویت‌های بومی و محلی
جیمز و. ونتلینگ	اصالت فعالیت‌ها در سکونت مدرن	سازمان‌دهی فضایی مدرن؛ ایجاد شبکه روابط
مارتین سگالن	اصالت فعالیت‌ها در سکونت مدرن	سازمان‌دهی فضایی مدرن؛ ایجاد شبکه روابط
بادیا برگر	سکونت به‌مثابه ساخت جهان کوچک شبکه‌سازی زیستی	اصالت فناوری در زندگی و ساخت مسکن
ژان بوردیار	سکونت به‌مثابه کالا	اصالت اقتصاد در مسکن
گاستون باشلار	اصالت انسان؛ رابطه انسان و محیط	توجه به هویت کالبدی؛ اهمیت سازمان‌دهی فضایی
نوربرگ شولتز	اصالت انسان اصالت فضا در معماری	ضرورت سکونت‌گزینی؛ احراز هویت فردی اصول سازمان‌دهی فضا و ایجاد شبکه روابط
کوپر مارکوس	اصالت ذهن انسان	ایجاد رابطه ذهنی بین انسان و مسکن تحکیم مفهوم مکان

۲-۲. گونه شناسی (Typology)، گونه شناسی عبارت است از دسته‌بندی نمونه‌ها (طرح‌های محیط و منظر، ساختمان‌ها و طرح‌های شهری) بر طبق مقاصد مشترک یا ساختار و فرم (لنگ، ۱۳۸۳، ۷۰). این عبارت، تعریف نسبتاً قابل قبولی از گونه شناسی در حیطه علوم مرتبط با طراحی به دست می‌دهد. آلدو روسی نیز گونه را امری ثابت و مقدم بر شکل و مشتمل بر آن تلقی می‌کند (مقتدایی، ۱۳۸۵، ۱۲۹). هدف اصلی در گونه شناسی، دسته‌بندی و طبقه‌بندی نمونه‌ها بر اساس مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مشترک است، هرچند همین هدف نیز محل منازعه صاحب‌نظران، به‌ویژه معماران مدرن است (رک، معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲).

۳-۲. خانه ایرانی، خانه ایرانی از جمله مباحث مهمی است که در دهه اخیر با اقبال پژوهندگان هنر و معماری ایران مواجه شده است. اگر بپذیریم که خانه، مکانی است برای سکنی گزیدن و آرام یافتن، بدین اعتبار خانه‌های ایرانی فضاهایی متنوع اما کم‌وییش مشترک دارند از سه‌دری و پنج‌دری (و در خانه‌های اعیانی، هفت‌دری)، مهمانخانه، تالار یا ایوان، هشتی و دهلیز و مطبخ؛ تا اسطبل و زیرزمین و انبار و ... که عموماً بر مبنای عملکرد، این فضاها را در سه دسته فضاهای اصلی، خدماتی و ارتباطی طبقه‌بندی می‌کنند. خانه‌ها همچنین دارای اجزاء و عناصری مشترک هستند نظیر حوض و باغچه و پله و در و پنجره و ... که توضیح درباره هر کدام از آن‌ها ضرور نمی‌نماید.

اما نکته مهمی که باید بدان اشاره نمود این است که اصولاً نمی‌توان از خانه سخن گفت و به مباحثی همچون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، فلسفه و حکمت نظر نداشت. آموس راپاپورت از جمله معماران سرشناسی است که به موضوع انسان‌شناسی مسکن پرداخته و خانه را از چند منظر نظیر عوامل اجتماعی- فرهنگی، اقلیم و ساختار مورد بررسی قرار داده است (راپاپورت، ۱۳۸۸). مارتین هایدگر، متفکر مشهور آلمانی در رساله‌ای با عنوان ساختن، سکنی گزیدن، تفکر کردن؛ به ریشه‌های فلسفی و کلامی مشترک بین ساختن و سکنی گزیدن و

اندیشیدن (یا چنانکه او می‌گوید، فلسفیدن) پرداخته است (ریخته‌گران، ۱۳۸۲). متفکران سنت اندیش اما خانه را از منظر سنت (یا به تعبیری دیگر، از منظر حکمت) بررسی کرده‌اند. سید محمدخسرو صحاف در رساله‌ای به‌طور جامع به آرای متفکران اسلامی و اندیشمندان سنت اندیش پرداخته و همه جوانب را به‌دقت مورد مذاقه و تحلیل قرار داده است (صحاف، ۱۳۹۰).

۴-۲. دوره انتقال، اگر بگوییم که شیفتگی و آشوبی که دیدار فرنگ در دل پادشاهان قجر افکند به‌سرعت فراگیر شد و تمام عرصه‌های سیاست، جامعه، فرهنگ و هنر را درنوردید، سخنی به‌گزارف نگفته‌ایم. بنا به نظر اغلب پژوهندگان، معماران ایرانی در حدود یک‌صد و پنجاه سال اخیر توانسته‌اند آثاری را از خود بر جای نهند که شایسته است تا به‌دقت و موشکافانه مورد بازشناسی قرار گیرند. این یک‌صد و پنجاه سال، در دل خود نقاط عطفی نیز داشته است که بی‌گمان، پایان حکومت قاجاریان و آغاز سلسله پهلوی را باید مهم‌ترین آن‌ها برشمرد؛ زیرا علاوه بر تفاوت‌های شخصیتی رضاشاه با پادشاهان قجر، تغییرات ساختار دولت، تمایل رضاشاه به ملی‌گرایی، تأثیرات معماران خارجی در ایران، سرعت چشمگیر اروپا به‌سوی صنعتی شدن، جنبش‌های هنری اروپا و ... سبب شد تا این نقطه عطف تاریخی، در معماری نیز تأثیرات مشهود و آنی را بر جای نهد و گسست از دنیای سنتی و ورود به دنیای مدرن را برای ایرانیان سرعتی باورنکردنی بخشد. بدین اعتبار، در تحقیق حاضر بر دوره سوم حکومت قاجاریان یعنی از ۱۲۶۰ تا ۱۳۰۴ خورشیدی (۱۳۴۴-۱۲۹۸ ق.ه) و حکومت پهلوی اول، از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش تمرکز شده است.

در خصوص افول معماری دوران قاجار و برآمدن معماری پهلوی تعابیر مختلف و گاه متناقضی وجود دارد. برخی از پژوهشگران، گسست فرهنگی ایجادشده را منشاء سقوط و انحطاط فرهنگی دانسته و معتقدند که از اواخر دوره قاجار، معماری نیز همچون سایر موضوعات روی به انحطاط نهاد. "دوره دوم آن [شیوه اصفهانی] زمان پسرفت

(انحطاط) این شیوه است که در واقع از زمان افشاریان آغاز شد و در زمان زندیان دنبال شد ولی پسرفت کامل از زمان محمدشاه آغاز شد و در دگرگونی‌های معماری تهران و شهرهای نزدیک به آن آشکار شد. (پیرنیا، ۱۳۸۰، ۲۷۲). "باین‌همه، روند معماری و هنر این سرزمین که تا زمان فتحعلی شاه و محمدشاه همچون زنجیری پیوسته بود بر اثر خودباختگی فرهنگی به‌ویژه در زمان ناصرالدین‌شاه از هم گسست و به پسرفت دچار شد." (همان، ۳۴۸؛ رک: وطن‌خواه و هداوند، ۱۳۹۱). اما غالب اندیشمندان نظری جز این دارند. برخی این دوره را دوره غربی کردن اندیشه و فکر ایرانی دانسته‌اند (بانی مسعود، ۱۳۹۱، ۵۲۸) و بعضی از این زاویه به موضوع می‌نگرند که معماری معاصر ایران دلالت‌کننده بر سه عامل مهم بوده است؛ معماری باستان، معماری دوران اسلامی و معماری غرب (قبادیان، ۱۳۹۲، ۳۹۹). شماری از پژوهشگران این برهه حساس را دوره گذار در معماری ایران دانسته‌اند (ابراهیمی و اسلامی، ۱۳۸۹) و بعضی دیگر آن را دوره انتقال نام نهاده‌اند (رمضانی، ۱۳۹۰). تفاوت در این دو واژه، به معنای آن‌ها بازمی‌گردد. گذار به معنی عبور کردن و گذشتن آمده و برای انتقال، معنی جابجا شدن یا از جایی به‌جای دیگر رفتن آورده شده است. به عبارت ساده‌تر، اگر تغییرات معماری دوره صفوی نسبت به دوره تیموری را در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد که واژه گذار برای نشان دادن سیر تدریجی این تغییرات، معنادار باشد زیرا در اصول و مبانی معماری ایرانی، دگرگونی خاصی پدید نیامد. بدین تعبیر، گذار دربرگیرنده تغییرات تدریجی و آهسته در حین عبور است. اما چنانچه تغییرات معماری در دوره رضاشاه را نسبت به دوره قاجار در نظر آوریم، چنین می‌نماید که واژه انتقال بهتر می‌تواند معنا و حتی شکل تغییرات را نشان دهد زیرا در آن برهه نه فقط در اصول که در شکل و سازه معماری ایرانی نیز تغییرات شگرفی پدید آمد؛ تو گویی، شب خوابیدیم و صبح که برخاستیم، یک معماری جدید (که متعلق به ما نبوده) از جایی به‌جای ما منتقل شده است بدون آن‌که ما سیر تغییرات تدریجی آن را در گذار

زمان به چشم دیده باشیم. بدین اعتبار، در پژوهش حاضر دوره سوم قاجار و دوره پهلوی اول مجموعاً دوره انتقال نامیده شده است.

۲-۵. مشهد، ناحیه‌ای که امروز مشهد نامیده می‌شود، بخشی از قلمرو یا محدوده توس بوده است. در حومه توس، قراء متعددی وجود داشته که آبادترین آن‌ها بزغان، توران، بروغن، نوغان، رادکان و سناباد بوده‌اند. نام قریه سناباد در تاریخ، نخستین بار به‌واسطه دفن هارون‌الرشید در باغ والی خراسان مطرح شده است (قصبایان، ۱۳۷۷، ۶). خاک‌سپاری جسد شریف حضرت رضا (ع) در همان نقطه سبب شد تا نام مشهدالرضا (ع) و بعدها به‌اختصار **مشهد** بر سر زبان‌ها بیفتد (مینورسکی، ۱۳۴۸، ۵۴). حصار شهر در اواخر دوره قاجار همان حصار ساخته‌شده توسط شاه‌پهماسب (معروف به حصار شاه‌پهماسبی) بود که بعدها به‌تدریج فرو ریخت. دروازه‌های مشهد نیز شش باب بوده‌اند شامل دروازه بالا خیابان، دروازه سراب، دروازه ارگ، دروازه عیدگاه، دروازه پایین خیابان و دروازه نوغان (سیدی فرخند، ۱۳۹۲، ۱۲۱). عمارت ارگ که در زمان حکمرانی عباس میرزا (پسر و نایب السلطنه ناصرالدین‌شاه) در جنوب غربی شهر ساخته شده بود، در حدود سال ۱۳۰۰ خورشیدی تخریب و به‌جای آن ساختمان بانک ملی ایران بنا شد (رهنما، ۱۳۹۰، ۲۰).

جمعیت شهر مشهد در اواخر دوره قاجار حدود هفتاد تا هشتاد هزار نفر برآورد شده است. پس از روی کار آمدن رضاشاه و برقراری نظم و امنیت در راه‌های ارتباطی کشور، مشهد نیز به‌عنوان یکی از شهرهای مهم و کانون زیارت و تجارت و سیاحت، توسعه یافت (رهنما، ۱۳۷۰، ۹۸). به سبب توسعه جمعیت، دخالت در بافت کالبدی شهر نیز با تخریب بخش‌هایی از بافت قدیمی و احداث خیابان‌های جدید آغاز شد که از جمله آن‌ها می‌توان به احداث خیابان طبرسی، خیابان تهران (امام رضا (ع)) و ... اشاره کرد. علاوه بر مداخلات کالبدی، برخی فعالیت‌های دیگر نیز زمینه‌های دگرگونی سیما و رشد فیزیکی شهر را فراهم ساختند. عمده این فعالیت‌ها

را می‌توان در پنج دسته به شرح زیر طبقه‌بندی کرد.

- تأسیس ادارات، مؤسسات و دوایر دولتی

- **تأسیس نهادهای اقتصادی؛** شامل بانک‌ها، کارخانه‌ها، گاراژهای حمل‌ونقل بار و مسافر

- **تأسیس نهادهای درمانی و بهداشتی؛** شامل مریض‌خانه‌ها و داروخانه‌ها

- **تأسیس نهادها و مؤسسات اجتماعی؛** شامل مؤسسات خیریه، تفریح‌گاه‌های عمومی، سینماها، هتل‌ها، پانسیون‌ها، مسافرخانه‌ها، کافه‌رستوران‌ها

- **تأسیس مدارس و نهادهای فرهنگی جدید؛** شامل مدارس دخترانه و پسرانه در تمامی مقاطع تحصیلی، کتابخانه‌های عمومی و شخصی، چاپخانه‌ها، دفتر روزنامه.

به‌موازات ورود مظاهر تمدن و زندگی غربی به شهر مشهد، برخی رویدادهای سیاسی همچون اشغال خراسان توسط قوای روس و بمباران حرم رضوی، وقوع انقلاب سوسیالیستی در روسیه، قطع مراودات تجاری بین آسیای

میانه و مشهد نیز سبب شد تا رضاشاه به بهانه تأمین امنیت ولی درواقع، به علت مبارزات روحانیون و حادثه خونین مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ ه.ش شخصاً دستور تعطیلی حوزه علمیه مشهد را صادر کند (خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ۷۰).

درواقع، حتی باوجود عنصر قدرتمندی همچون مذهب در شهر مشهد، این شهر عملاً نتوانست از تغییر و تحولات عمده اجتماعی (که در سطح کشور در حال شکل‌گیری بود) خود را به دور نگاه دارد؛ از جمله کشف حجاب، متحدالشکل کردن لباس مردان، شکل‌گیری طبقات جدید اجتماعی (تحت عنوان لشکری و کشوری)، استقرار نظام نوین اداری، تغییر سبک آموزش و شکل‌گیری مدارس جدید، ورود خودرو به شبکه حمل‌ونقل درون‌شهری و ... که هرکدام به نحوی از انحاء تأثیرات شگرفی در سبک و شیوه زندگی مردمان بر جای نهادند. ماحصل تغییرات شیوه زندگی مردم مشهد در اواخر دوره قاجار و دوره سلطنت رضاشاه را می‌توان در جدول ۲ خلاصه کرد.

جدول ۲. تأثیر تغییرات ساختاری جامعه بر شیوه زندگی مردم شهر مشهد در دوره انتقال (مأخذ: نگارندگان).

مؤلفه‌ها	مصادیق عینی تغییرات	تأثیر تغییرات بر شیوه زندگی مردم	
تغییرات در ساختار کالبدی شهر	تخریب بافت قدیمی	توسعه فضاهای عمومی و جمعی	
	احداث خیابان		
	ورود خودرو به شبکه حمل‌ونقل درون‌شهری	ایجاد فضاهای نوظهور شهری مثل میدان و خیابان	
تغییر در ساختارهای اداری جامعه	تغییر شکل بازارها و ایجاد ویترین	ترویج مصرف‌گرایی تغییر سبک و شیوه خرید	
	تأسیس ادارات و دوایر دولتی	توسعه فضاهای عمومی و جمعی شکل‌گیری نظم نوین اجتماعی	
تغییر در ساختارهای مالی و اقتصادی شهر	تأسیس بانک‌ها	تغییر در شیوه کسب درآمد، پس‌انداز و مدیریت مالی زندگی	
	تأسیس کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی	تولید انبوه کالا	
	تأسیس گاراژهای حمل‌ونقل بار و مسافر	اهمیت یافتن مصرف	
		توسعه تجارت از طریق حمل و ارسال تولیدات	تغییر در شیوه مسافرت

مؤلفه‌ها	مصادیق عینی تغییرات	تأثیر تغییرات بر شیوه زندگی مردم
تغییر در ساختارهای بهداشتی و درمانی شهر	احداث مریم‌خانه‌ها و داروخانه‌ها	افزایش امید به زندگی
		افزایش جمعیت شهر
		افزایش بعد خانوار
		سن بازنشستگی
تغییرات در ساختار اجتماعی شهر	تأسیس مؤسسات خیریه	جداسازی بخش‌هایی از جامعه از بدنه خانواده‌ها
	احداث تفرجگاه‌های عمومی	توسعه فضاهای جمعی و عمومی
	احداث سینماها	تغییر در سبک گذران اوقات فراغت
	احداث کافه‌رستوران، هتل و ...	تغییر در سبک غذا خوردن و ذائقه غذایی
		تغییر در سبک گذران اوقات فراغت
		افزایش جمعیت مسافر و زائر در سطح شهر در طول سال
	شکل‌گیری نهاد خانواده مستقل	تغییر در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی
		جدایی تدریجی نسل‌ها
تغییر در ساختارها و بنیادهای فرهنگی شهر	تأسیس مدارس جدید، کتابخانه‌ها، چاپخانه‌ها و ...	علم باوری و عقل‌گرایی
	کشف حجاب	ارجحیت یافتن علم تجربی بر علوم سنتی
		سنت ستیزی
	متحداشکل کردن لباس مردان	تغییر نقش زن در ساختار خانواده و اجتماع
		ورود زن به عرصه تولید و کسب‌وکار
		القای نظم نوین اجتماعی به آحاد مردم
شکل‌گیری طبقات اجتماعی لشکری و کشوری	ایجاد فاصله طبقاتی در جامعه	

۳. مرور ادبیات پژوهش

– کتاب‌های فارسی: گروهی از منابع به معماری معاصر اختصاص دارند که از مهم‌ترین آن‌ها باید به کتاب بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران و اروپا اشاره کرد (اعتصام، ۱۳۷۴). امیر بانی مسعود در کتابی با عنوان معماری معاصر ایران به صورت مبسوط به خاستگاه‌های اجتماعی و فرهنگی معماری معاصر پرداخته، در پیچه‌ای جدید از نسل‌های مختلف معماران معاصر به چشم مخاطب می‌گشاید (بانی مسعود، ۱۳۹۱). پرویز رجبی معماری ایران در عصر پهلوی را در سال ۱۳۵۵ منتشر ساخته که طی آن به معرفی و نقد منصفانه‌ای از آثار آن روزگار می‌پردازد (رجبی، ۱۳۵۵). وحید قبادیان در کتاب سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران به صورت مفصل به دوره بندی‌های تاریخی معماری معاصر اشاره کرده، ضمن ارائه تصویری

اجتماعی و فرهنگی از هر دوره آثار ارزشمند معماری آن را نیز به نقد می‌کشاند (قبادیان، ۱۳۹۲). مصطفی کیانی نیز در کتاب معماری دوره پهلوی اول به بررسی عوامل مؤثر در دگرگونی اندیشه‌ها و علل پیدایی و شکل‌گیری معماری ایران در یک دوره بیست‌ساله از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ هجری خورشیدی می‌پردازد (کیانی، ۱۳۸۳). اما گروهی دیگر از کتاب‌ها به صورت موردی به معماری مسکونی شهرهای مختلف ایران پرداخته‌اند از جمله کتاب معماری خانه‌های شیراز، دوره قاجاریه تألیف هانی زارعی که به معرفی و تحلیل کالبدی خانه‌های شیراز می‌پردازد (زارعی، ۱۳۹۴). حسین اسمعیلی سنگری و بهروز عمرانی در کتابی با عنوان تاریخ و معماری خانه‌های تبریز به معرفی و تحلیل کالبدی خانه‌های تبریز در دوره قاجار و پهلوی اول پرداخته‌اند (اسمعیلی سنگری و عمرانی، ۱۳۹۲). مجموعه‌ای توسط حسین

سلطانزاده درباره خانه‌های تهران فراهم آمده است که به فضاهای ورودی (سلطانزاده، ۱۳۷۱) نماها (سلطانزاده، ۱۳۷۳) و پنجره‌ها (سلطانزاده، ۱۳۷۵) پرداخته است. وحید قبادیان نیز در کتاب معماری دارالخلافه ناصری به تقابل سنت و مدرنیته در معماری معاصر شهر تهران پرداخته است (قبادیان، ۱۳۸۴).

– **مقالات فارسی:** شماری از مقالات به‌طور مشخص خانه‌های قاجاری یا پهلوی در شهرهای مختلف را موردتوجه قرار داده‌اند و به تحلیل کالبدی خانه‌ها از منظری خاص پرداخته‌اند از جمله تأثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌های دوره پهلوی اول شهر همدان (ابراهیمی، سلطانزاده و میر شاهزاده، ۱۳۹۶) که به‌طور واضح به تغییر سبک و شیوه زندگی و تأثیر آن در طراحی خانه‌های دوره رضاشاهی پرداخته است. ارمان در مقاله معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار به بازشناسی تأثیر فرهنگ زندگی قشر مرفه مردم تهران در روزگار قاجار بر شکل خانه‌ها می‌پردازد (ارمان، سلطانزاده و ایرانی بهبهانی، ۱۳۹۲).

پاسبان خمیری در مقاله سیر دگرگونی فضای بسته، فضای سرپوشیده و فضای باز در خانه‌های تاریخی گرگان از دوره قاجاریه به پهلوی اول به یکی از مهم‌ترین وجوه کالبدی خانه‌ها توجه کرده، آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد (پاسبان خمیری، رجبعلی و فرخزاد، ۱۳۹۶). پوراحمدی در مقاله‌ای به بررسی هندسه حیاط و اتاق‌ها در خانه‌های سنتی یزد پرداخته و نظر پیرنیا درباره مستطیل طلایی ایرانی را به چالش کشیده است (پوراحمدی، یوسفی و سهرابی، ۱۳۹۰). حیاتی و اسفندیاری به بررسی سازمان‌دهی فضاهای خانه‌های خوزستان توجه کرده، دو نمونه از خانه‌های شوشتر را مورد بررسی و تحلیل کالبدی قرار داده‌اند (حیاتی و اسفندیاری، ۱۳۹۵).

حیدری با بهره‌گیری از نحو فضا به تحلیل ساختار فضایی خانه‌های یزد و کاشان و اصفهان پرداخته و وجوه شباهت و تفاوت خانه‌های سنتی در شهرهای مذکور را مشخص ساخته است (حیدری، قاسمیان اصل و کیایی،

۱۳۹۶). خاکپور به گونه شناسی خانه‌های بافت قدیم شهر رشت توجه کرده و طی مقاله‌ای گونه‌های کالبدی خانه‌های دوره پهلوی اول این شهر را معرفی و تحلیل کرده است (خاکپور، انصاری و طاهرنیان، ۱۳۸۹). روشندل به بررسی سیر تحول عنصر ایوان در خانه‌های معاصر نهبندان پرداخته و سعی کرده است تا با توجه به مدارک کالبدی و مکتوب، فرآیند تحول ایوان را در خانه‌های جنوب خراسان بازشناسی کند (روشندل، هاشمی زرج آبادی و قربانی، ۱۳۹۶). زارعی نیز طی مقاله‌ای به گونه شناسی خانه‌های قاجاری شیراز پرداخته و سعی کرده است تا با بهره‌گیری از نتایج به ارائه الگوهایی برای طراحی دست یابد (زارعی، رازانی و قزلباش، ۱۳۹۶).

شاهزمانی به تحلیل خانه‌های آغاز دوره معاصر اصفهان از منظر هندسه حاکم بر پلان پرداخته و تلاش کرده است تا نقش سازمان‌دهی فضایی را به‌صورت بارز نشان دهد (شاهزمانی سیچانی و قاسمی سیچانی، ۱۳۹۶). عرب در مقاله‌ای با عنوان خانه‌های قاجاری قم به معرفی شماری از خانه‌های قاجاری این شهر پرداخته اما با توجه به نگاه باستان‌شناسانه مؤلف، مقاله مذکور راهی به تحلیل کالبدی نمی‌یابد (عرب، ۱۳۷۸). فرحبخش به خانه‌های مشهد در دوره تاریخی اوایل قاجار تا اواخر رضاشاه توجه کرده و سعی دارد تا گونه شناسی مناسبی از خانه‌های آن دوره را ارائه دهد (فرحبخش، چناچی و غنائی، ۱۳۹۶). مداحی با تمرکز بر معماری بومی خراسان به بازخوانی و فهم کالبدی خانه‌های بشرویه پرداخته و الگوهای خانه‌های تیموری، صفوی و قاجار این شهر را معرفی کرده است (مداحی و دیگران، ۱۳۹۳). میرسجادی و فرکیش نیز با ارزیابی الگوها و شناخت عوامل کالبدی تأثیرگذار بر معماری خانه‌های نیشابور سعی در ارائه راهکارهایی برای طراحی و الگوی ساخت داشته‌اند (میرسجادی و فرکیش، ۱۳۹۵).

– **منابع خارجی:** بسیاری از اندیشمندان و متفکران عصر حاضر به مسئله خانه از وجوه گوناگون آن توجه نشان داده‌اند. اغلب صاحب‌نظران بر این باورند که در طراحی خانه آنچه باید بیش و پیش از کالبد موردتوجه

مختلف از یک تحقیق از روش‌های گوناگون بهره گرفته شود. بخشی از پژوهش حاضر با روش تاریخی و بخش دیگری از آن، با روش توصیفی تحلیلی به انجام رسیده که ضمن توصیف، از روش‌های تحلیل کمی استفاده شده است.

۴-۴. شیوه‌های انجام تحقیق (تکنیک‌ها):

به‌طور کلی شیوه‌های به کار گرفته شده در پژوهش حاضر به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند.

اول. روش اسنادی که در حوزه مطالعات تاریخی معماری معاصر مورد استفاده خواهد بود.

دوم. روش میدانی که خود شامل سه مرحله است. مشاهده، مصاحبه‌های هدفمند، رولوه و مستندسازی (رک، صفایی، طبسی و حقیقی، ۱۳۹۳).

۴-۵. **جامعه آماری:** در پژوهش حاضر، جامعه آماری دربرگیرنده خانه‌های ساخته‌شده در دوره سوم عهد قاجار (از ۱۲۶۰ تا ۱۳۰۴ خورشیدی) و تمام دوره حکومت رضاشاه پهلوی (از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ خورشیدی) در محدوده بافت تاریخی مشهد است.

۴-۶. **روش نمونه‌گیری:** در پژوهش حاضر نمونه‌ها بر اساس قضاوت پژوهشگران به‌صورت غیر تصادفی و غیر احتمالاتی برگزیده شده و به‌منظور رفع ابهام در خصوص اعتبار نمونه‌گیری، سعی شده تا نمونه‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شوند که:

- ترجیحاً در فهرست آثار ملی ثبت شده باشند؛ هرچند برخی از خانه‌ها هنوز در فهرست مذکور ثبت نشده، برخی دیگر پیشتر یا در اثنای انجام پژوهش تخریب شده و شماری از آن‌ها نیز با رأی دیوان عدالت اداری از فهرست آثار ملی خارج شده‌اند.

- واجد ارزش‌های معماری و هنری باشند به‌نحوی که امکان مطالعات تحلیلی را فراهم سازند.

- نمونه‌هایی از منازل مسکونی اقشار مختلف جامعه باشند.

- پراکندگی جغرافیایی نمونه‌ها در سراسر بافت تاریخی مشهد لحاظ شده باشند.

- پراکندگی زمانی نمونه‌ها (از نظر سال و دوره ساخت) در

قرار گیرد، رابطه انسان و محیط است. گاستون باشلار خانه را به‌عنوان نیروی عظیم درهم‌تنیده با زندگی انسان برمی‌شمارد و معتقد است که انسان در خانه، هویت خود را بازمی‌یابد (Bachelard, 2007, 74).

نوربرگ شولتز نیز بر این باور است که هدف نهایی سکونت، احراز هویت فرد است (شولتز، ۱۳۸۲، ۲۲). مشابه همین تلقی را راپاپورت نیز بیان کرده که انسان با سکونت، هویت خود را تثبیت می‌کند (Rapoport, 1981, 6).

در زمینه مفهوم خانه، کوپر مارکوس معتقد است که در ذهن بشر، ارتباطی بین خود و خانه وجود دارد (Mar- cus & Sarkissian, 1988) و لذا خانه، پدیده‌ای فراتر از مسکن است. از این‌رو، خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله به‌عنوان شاخص‌ترین ساختار در جهت تحکیم مفهوم مکان، عمل می‌کند (Moore et al, 1974). به‌عبارت‌دیگر، خانه نمونه‌ای کوچک از جهان است که با ساختن آن، خود را نیز می‌سازیم و از همین روی اصول سازمان دهنده فضا به همان اندازه که نشان‌دهنده حالت کلی انسان هستند بر ارتباط‌های میان انسان‌ها نیز دلالت می‌کنند (Tuan, 1977).

۴. روش تحقیق

۴-۱. **روش‌شناسی پژوهش:** با توجه به اهداف تعیین‌شده، در پژوهش حاضر از رویکرد اثبات‌گرایانه بهره گرفته شده است.

۴-۲. **متغیرهای تحقیق:** متغیر مستقل تحقیق، نوگرایی در شیوه زندگی مردم مشهد در دوره انتقال است. اما متغیرهای وابسته به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که بتوانند هدف اصلی تحقیق را برآورده سازند. بدین لحاظ، نظم توده و فضا، تعداد طبقات، نوع فضاها (باز، بسته و نیمه‌باز) و ورودی خانه‌ها به‌عنوان متغیرهای وابسته مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. تزیینات خارجی (نمای سمت حیاط) و داخلی خانه‌ها از منظر فنون اجرایی و نقوش تزیینی نیز مورد توجه پژوهشگران بوده است.

۴-۳. **روش پژوهش:** ماهیت پژوهش در موضوعات مرتبط با هنر و معماری سبب می‌شود تا در بخش‌های

طول دوره‌های مشخص شده، نیز مدنظر بوده است. بخش ۳-۶ ذکر شدند، ده باب خانه مسکونی از دوره قاجار ۴-۷. **حجم نمونه:** بر اساس آنچه اشاره شد، از مجموع بالغ بر هفتاد باب خانه قاجار و پهلوی شناسایی شده در شهر مشهد، تعداد ۲۵ باب از خانه‌ها (بیش از ۳۰ درصد) به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند که درصد قابل قبولی از جامعه آماری تلقی می‌شود. بدیهی است با توجه به تعدد شاخص‌های مورد مطالعه و حجم بالای جامعه آماری، تعداد نمونه‌ها به صورتی انتخاب شده‌اند که میزان داده‌های تکراری به حداقل ممکن برسد.

۴-۸. **معرفی نمونه‌ها:** بر اساس معیارهایی که در جدول ۳. معرفی نمونه‌ها (مأخذ: نگارندگان).











دوره	ردیف	نام خانه	شماره ثبت	تاریخ ثبت	آدرس
قاجار	۱	بلخاست	۱۲۳۸۴	۱۳۸۴/۰۵/۱۱	خ. نواب صفوی، نواب ۱۱، ک. ذبیح‌اللهی، پ. ۱۱
	۲	توکلی	۱۲۳۷۴	۱۳۸۴/۰۵/۱۱	خ. نواب صفوی، نواب ۷ (ک. عسگریه)، پ. ۲۹
	۳	داروغه	۶۳۵۷	۱۳۸۱/۰۷/۰۷	خ. نواب، راسته حوض مسگران، ک. داروغه
	۴	غفوری	۱۲۳۹۳	۱۳۸۴/۰۵/۱۱	خ. نواب صفوی، نواب ۱۱، ک. مسجد محمدیه، پ. ۸۵
	۵	امیری	۱۲۱۳۲	۱۳۸۴/۰۴/۳۰	خ. نواب صفوی ۹، پ. ۳۵۱
	۶	حناسب	۱۱۰۱۴	۱۳۸۳/۰۵/۱۷	خ. نواب صفوی ۴، ک. تاجرها، پ. ۹۱
	۷	داوودی	۲۹۱۸	۱۳۷۹/۰۹/۲۰	ضلع جنوبی خ. توحید، بعد از کوچه زردی، پ. ۱۶
	۸	رحیمیان	۱۱۰۸۸	۱۳۸۳/۰۶/۱۶	خ. نواب صفوی، نواب ۷ (ک. عسگریه)، پ. ۵۴
	۹	ملک	۲۱۱۵	۱۳۷۷/۰۶/۱۸	ضلع شرقی خ. امام خمینی، روبروی اداره دارایی
	۱۰	ناظران	۱۲۳۸۹	۱۳۸۴/۰۵/۱۱	خ. نواب صفوی، ک. عسگریه، مقابل تکیه یزدی‌ها
پهلوی اول	۱۱	براتی	۱۳۸۸۱	۱۳۸۴/۰۸/۲۵	خ. نواب صفوی، ک. حسنقلی، پ. ۴۵
	۱۲	بنی‌هاشمی	۱۳۹۱۵	۱۳۸۴/۱۱/۰۹	خ. دانشگاه ۱۵ (ک. قائم‌مقام)، پ. ۲۸ و ۲۹
	۱۳	بهبادیان	---	---	بلوار وحدت، وحدت ۲۱، بین ک. حسن قلی و حاج ابراهیم، پ. ۱۶۸
	۱۴	تمدنی	۱۲۰۶۵	۱۳۸۴/۰۴/۱۲	ک. خامنه‌ای، ک. شهید قناد ۲، پ. ۳۲
	۱۵	توکلی زاده	۹۲۵۴	۱۳۸۲/۰۴/۲۴	خ. سعدی، بین سعدی ۱۸ و ۲۰، پ. ۴۹
	۱۶	رجایی	---	---	خ. خسروی نو، ک. سرشور، سرشور ۲۰ (ک. پرتو)
	۱۷	سالاری	۱۲۰۶۹	۱۳۸۴/۰۴/۱۲	چهارراه شهدا، آرامگاه نادر، نبش ک. شهید خوراکیان
	۱۸	سروقد	---	---	خ. انقلاب اسلامی ۱۸، پ. ۵
	۱۹	طلایی	۱۲۰۶۸	۱۳۸۴/۰۴/۱۲	میدان طبرسی، ک. نوغان، نبش نوغان ۴
	۲۰	مجتهدزاده	---	---	خ. آخوند خراسانی، خ. شادکام، پ. ۲
	۲۱	مجیدیان	---	---	خ. طبرسی، ک. اصیلی ۲، پ. ۱۲
	۲۲	موسوی پریشانی	۱۲۰۶۶	۱۳۸۴/۰۴/۱۲	خ. آزادی ۳، ک. محمدزاده، روبروی پ. ۷۲
	۲۳	طلعت موسوی	۱۳۳۷۲	۱۳۸۴/۰۵/۲۵	خ. وحدت ۲۱، ک. کشمیری‌ها، پ. ۷
	۲۴	مولوی	---	---	خ. سعدآباد، خ. مولوی، پ. ۸۸
	۲۵	میرزای ناظر	---	---	حاشیه خ. دانشگاه، بین میدان شهدا و میدان سعدی، پ. ۱۵۷

خانه غفوری	خانه داروغه	خانه توکلی	خانه بلخاست
خانه رحیمیان	خانه داوودی	خانه حناساب	خانه امیری
		خانه ناظران	خانه ملک

تصویر ۱. پلان طبقه همکف خانه‌های دوره قاجار (مأخذ: نگارندگان).

خانه تمدنی	خانه بهزادبان	خانه بنی هاشمی	خانه براتی
خانه سروقد	خانه سالاری	خانه رجایی	خانه توکلی زاده
خانه موسوی پریشانی	خانه مجیدیان	خانه مجتهدزاده	خانه طلایی
	خانه میرزای ناظر	خانه مولوی	خانه طلعت موسوی

تصویر ۲. پلان طبقه همکف خانه‌های دوره پهلوی اول (مأخذ: نگارندگان).

			
خانه غفوری	خانه داروغه	خانه توکلی	خانه بلخاست
			
خانه رحیمیان	خانه داوودی	خانه خناساب	خانه امیری
			
		خانه ناظران	خانه ملک






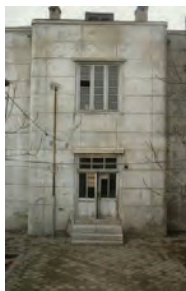



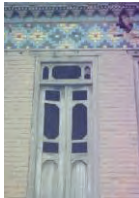


تصویر ۳. نمونه‌هایی از تزیینات خانه‌های دوره پهلوی اول (مأخذ: نگارندگان).

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۵۸. بهار ۱۳۹۹

Urban management
No.58 Spring 2020

■ ۴۱ ■

			تخریب شده
خانه تمدنی	خانه بهزادیان	خانه بنی هاشمی	خانه براتی
			
خانه سروقد	خانه سالاری	خانه رجایی	خانه توکلی زاده
			
خانه موسوی پریشانی	خانه مجیدیان	خانه مجتهدزاده	خانه طلایی
			عدم همکاری مالک
	خانه میرزای ناظر	خانه مولوی	خانه طلعت موسوی

تصویر ۴. نمونه‌هایی از تزیینات خانه‌های دوره پهلوی اول (مأخذ: نگارندگان).

۵. یافته‌های پژوهش

جدول ۵. یافته‌های پژوهش درباره کالبد معماری خانه‌های دوره قاجار (مأخذ: نگارندگان).

نام خانه	نظم توده و فضا	گونه	امتیاز	تعداد طبقات	نوع فضا			تعداد ورودی	نوع ورودی	
					بسته	نیمه‌باز	باز		مستقیم	هشمنی / دالان
پلخاست		درون گرا تپ ۱	۱	۲	*	---	*	۱	*	
توکی		درون گرا تپ ۳	۳	۲	*	---	*	۲	*	
داروغه		درون گرا تپ ۱	۱	۲	*	*	*	۱	*	
غفوری		درون گرا تپ ۱	۱	۲	*	---	*	۱	*	
امیری		درون گرا تپ ۲	۲	۲	*	---	*	۱	*	
حناسب		درون گرا تپ ۲	۲	۱	*	*	*	۱	*	
داوودی		درون گرا تپ ۱	۱	۲	*	---	*	۱	*	
رحیمیان		درون گرا تپ ۲	۲	۲	*	*	*	۲	*	
ملک		درون گرا تپ ۲	۲	۲	*	---	*	۱	*	
ناظران		درون گرا تپ ۱	۱	۲	*	*	*	۲	*	

مطالعه گونه شناسی خانه‌ها از منظر نظم توده و فضا نشان می‌دهد که خانه‌های تاریخی مطالعه شده، در پنج گونه به شرح ذیل قابل دسته‌بندی هستند. (جدول ۴)

جدول ۴. گونه شناسی و تیپ بندی خانه‌های تاریخی مشهد (مأخذ: نگارندگان).

گونه اصلی	تیپ	تصویر	توضیحات	امتیاز
درون گرا	I		توده در سه جبهه، ورودی به داخل بنا	۱
درون گرا	II		توده در دو جبهه روبروی هم، ورودی به داخل بنا	۲
درون گرا	III		توده در یک جبهه، ورودی به داخل بنا	۳
برون گرا	---		توده در سه جبهه، ورودی به حیاط	۴
کاملاً برون گرا	---		توده در وسط حیاط	۵

مطالعه پلان‌های خانه‌ها از منظر گونه شناسی نظم توده و فضا، تعداد طبقات، نظم توده و فضا، نوع فضا (باز، بسته و نیمه‌باز) و ورودی خانه‌ها به تفکیک دوره تاریخی در جدول‌های ۵ و ۶ خلاصه شده‌اند. همچنین بررسی میدانی تزئینات داخلی و نمای خارجی خانه‌ها از منظر فنون و مصالح و نقوش به‌کاررفته نیز به تفکیک دوره‌ها در جدول‌های ۷ و ۸ آمده‌اند.

توضیحات،

- توده موجود در یک وجه خانه بلخاست تخریب شده است. ورودی اصلی خانه، به صورت غیرمستقیم به حیاط بوده که در اثر مداخلات شهری تخریب شده است.
- در مورد خانه ملک، اطلاعات مربوط به بخش اندرونی بنا ثبت شده است.

جدول ۶ یافته‌های پژوهش در خصوص کالبد معماری خانه‌های دوره پهلوی اول (مأخذ: نگارندگان).

سرفقد	طلایی	مختلذاده	مجیدیان	موسوی پریشانی	طلعت موسوی	مولوی	میروزی ناظر
* کاملاً برون‌گرا	* برون‌گرا	* درون‌گرا تیب ۲	* درون‌گرا تیب ۲	* برون‌گرا	* درون‌گرا تیب ۲	* درون‌گرا تیب ۳	* کاملاً برون‌گرا
* ۱	* ۱	* ۱	* ۲	* ۲	* ۱	* ۲	* ۲
* *	* *	* *	* *	* *	* *	* *	* *
* ۲	* ۲	* ۲	* ۲	* ۲	* ۲	* ۱	* ۲
* ۵	* ۴	* ۲	* ۲	* ۴	* ۲	* ۲	* ۵

نام خانه	توده و فضا	گونه	امتیاز	طبقات	نوع فضاها			نوع ورودی	
					باز	نیمه‌باز	پسته	مستقیم	هشتمی دالان
براتی		درون‌گرا تیب ۱	۱	۲	*	*	۱	*	*
بنی‌هاشمی		کاملاً برون‌گرا	۵	۲	*	*	۲	*	*
بهرادیان		درون‌گرا تیب ۳	۲	۲	*	*	۲	*	*
تمدنی		درون‌گرا تیب ۲	۲	۲	*	*	۱	*	*
توکلی زاده		کاملاً برون‌گرا	۵	۲	*	*	۲	*	*
رجایی		درون‌گرا تیب ۲	۲	۲	*	*	۱	*	*
سالاری		درون‌گرا تیب ۳	۲	۲	*	*	۱	*	*

جدول ۷. یافته‌های پژوهش درباره تزیینات خانه‌های دوره قاجار (مأخذ: نگارندگان).

جدول ۸. یافته‌های پژوهش درباره تزیینات خانه‌های دوره پهلوی اول (مأخذ: نگارندگان).

نام خانه	تزیینات بیرونی		تزیینات فضاهای داخلی	
	فنون و مصالح	نقوش	فنون و مصالح	نقوش
بلخ اسن	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی / کتیبه	---	---
توکلی	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی / کتیبه	تزیینات چوبی و شیشه رنگی	گیاهی
داروغه	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی / کتیبه سردیس شیر، انسان، فرشته بال‌دار	گچ‌بری / بخاری چدنی دیواری	گیاهی
غفوری	آجرکاری / کاشی کاری / آینه کاری	هندسی (خفته راسته)	گچ‌بری و نقاشی	گیاهی
امیری	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی / لوحه کاشی کتیبه	گچ‌بری و نقاشی / آینه کاری	گیاهی
حناسب	آجرکاری	هندسی	---	---
داوودی	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی	گچ‌بری و نقاشی / بخاری دیواری	گیاهی
رحیمیان	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی / کتیبه	گچ‌بری / بخاری دیواری	گیاهی
ملک	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی	گچ‌بری / شومینه / تزیینات چوبی	گیاهی / هندسی
ناظران	آجرکاری	هندسی	---	---

نام خانه	تزیینات بیرونی		تزیینات فضاهای داخلی	
	فنون و مصالح	نقوش	فنون و مصالح	نقوش
براتی	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی	گچ‌بری و نقاشی	گیاهی
بنی هاشمی	آجرکاری	کتیبه نواری با نقش گیاهی	---	---
بهزادیان	آجرکاری / گچ‌بری برجسته	هندسی / کتیبه / گیاهی و انسانی	---	---
تمدنی	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی	---	---
توکلی زاده	سیمان سفید	بدون نقش	---	---
رجایی	آجرکاری / کاشی کاری / گچ‌بری برجسته	هندسی / تندیس فرشته بال‌دار	---	---
سالاری	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی	---	---
سروقد	آجرکاری	بدون نقش	---	---
طلایی	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی	---	---
مجدهدزاده	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی	---	---
مجددیان	آجرکاری / گچ‌بری	هندسی / لوحه کتیبه	---	---
موسوی پیشانی	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی / لوحه کتیبه	---	---
موسوی طلعت	آجرکاری / کاشی کاری	هندسی	---	---
مولوی	آجرکاری / کاشی کاری	بدون نقش	---	---
میرزای ناظر	سیمان سفید	بدون نقش	---	---

۶. بحث و تحلیل

برای تحلیل یافته‌ها و بحث و مقایسه یافته‌های این پژوهش با سایر تحقیقات مشابه، ابتدا یافته‌های تحلیلی حاصل از مطالعه کالبد معماری در جدول ۹ ارائه می‌شوند.

جدول ۹. جمع‌بندی تحلیلی یافته‌ها درباره کالبد معماری نمونه‌ها (مأخذ: نگارندگان).

دوره	تعداد طبقات			نظم توده و فضا					مجموع امتیاز	نوع فضا			تعداد ورودی			دسترسی		
	۱	۲	۳	کاملاً برون‌گرا	برون‌گرا	درون‌گرا III	درون‌گرا II	درون‌گرا I		بسته	نیمه‌باز	باز	۱	۲	۳	فقط از طریق هشتی یا دالان	فقط مستقیم به حیاط	هر دو نوع
قاجاری	۱	۷	۲	۵	۴	۱	---	---	---	۱۰	۴	۱۰	۷	۳	---	۱۰	---	---
پهلوی اول	۱	۱۲	۲	۱	۳	۵	۲	۴	۵۰	۱۵	۶	۱۵	۸	۶	۱	۵	۴	۶

۶-۱. تعداد طبقات: مقایسه تعداد طبقات خانه‌ها نشان می‌دهد که در دوره قاجاری ۷۰٪ و در دوره پهلوی اول ۸۰ درصد خانه‌ها با تراکم دو طبقه ساخته شده‌اند. مشاهده میدانی خانه‌های سه طبقه (غفوری، امیری، مجیدیان و بهزادیان) مشخص می‌سازد که این خانه‌ها اگرچه دارای زیرزمین بوده‌اند اما برخلاف خانه‌های یزد و کرمان و کاشان و ... دارای زیرزمین‌هایی با ابعاد کوچک هستند که کاربری این فضاها عمدتاً به شکل انباری بوده است نه مسکونی.

فقط در یک مورد از مطالعات مشابه، تعداد طبقات نمونه‌ها ثبت شده است. بر اساس یافته‌های مطالعه مذکور، تراکم خانه‌های تاریخی رشت نیز دو طبقه است (خاکپور، انصاری و طاهرنیان ۱۳۸۹، ۳۳) که با یافته‌های تحقیق حاضر همخوانی دارد. به نظر می‌رسد که در اواخر دوره قاجار و اوایل حکومت رضاشاه، بر اساس جمعیت ساکن شهر، تراکم دو طبقه کافی بوده است. همچنین به این موضوع باید توان فناوریانه ساخت در آن روزگار را نیز افزود که ساخت خانه‌های معمول (با دیوار باربر و سقف تیر چوبی) عملاً بیش از دو طبقه مقدور نبوده است.



تصویر ۳. طیف امتیاز درون‌گرایی خانه‌های دوره قاجار مشهد (مأخذ: نگارندگان).

فضاهای نیمه‌باز به شکل ایوان و صفه در خانه‌های بشرویه نیز متداول بوده است (مداحی و دیگران، ۱۳۹۶، ۷۲).

۴-۶. ورودی خانه‌ها: مطالعه انجام‌شده، در خصوص ورودی‌ها نیز به نتایج جالب‌توجهی دست یافته است. هفتاد درصد از خانه‌های قاجاری دارای یک در ورودی هستند و سه مورد نیز دو ورودی دارند. در تمامی نمونه‌های قاجاری، ورودی خانه به‌صورت غیرمستقیم، و از طریق هشتی یا دالان، به حیاط متصل می‌شده است. خانه‌های رضاشاهی نیز در هشت مورد دارای فقط یک ورودی بوده‌اند و فقط یک خانه دارای سه ورودی بوده است. ورودی خانه‌های رضاشاهی در چهار مورد مستقیماً و بدون هیچ واسطه‌ای به حیاط ارتباط داشته که آن خانه‌ها دارای الگویی کاملاً برون‌گرا بوده‌اند.

بر اساس نتایج یکی از مطالعات مشابه "بررسی‌های گونه‌شناسی در سازمان فضایی خانه‌های قاجار تهران نشان می‌دهد که اجزاء فضایی تعریف‌کننده ورودی مشکل از درب ورودی، هشتی، دالان و سپس حیاط است ... در نمونه‌های بررسی‌شده از خانه‌های دوره پهلوی اول و دوم ... حرکت با عبور از درب ورودی آغاز شده و با توجه به شمالی یا جنوبی بودن استقرار خانه، دسترسی به حیاط یا راه‌پله امکان‌پذیر می‌شود. سپس در مرحله گذار از حیاط که تفاوت عمده‌ای را با خانه‌های دوره قاجار ایجاد می‌کند و آن تبدیل شدن نقش حیاط به‌عنوان یک فضای باز و زیست‌پذیر به‌عنوان فضای تقسیم است." (غفوریان، پی‌سخن و حصار، ۱۳۹۶، ۱۳۸-۱۳۷). یافته‌های مطالعه مذکور نشان از شباهت ورودی‌های خانه‌های قاجار و پهلوی اول در تهران و مشهد دارد.

۵-۶. تزئینات: مطالعه انجام‌شده نشان می‌دهد که به‌طور کلی خانه‌های قاجاری مشهد در قیاس با خانه‌های کاشان، اصفهان، یزد و ... فاقد تزئینات شکوهمند و فاخر بوده‌اند و این امر چه در نمای خارجی ساختمان (نمای سمت حیاط) و چه در فضای داخلی خود را به‌وضوح نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر، اغلب

خانه‌های پهلوی اول از حداقل ۱۵ و حداکثر ۷۵ امتیاز ممکن، نمره ۵۰ را که نشان از تمایل به سمت درون‌گرایی کامل است، اخذ کرده‌اند.



تصویر ۴. طیف امتیاز درون‌گرایی خانه‌های دوره پهلوی اول مشهد (مأخذ: نگارندگان).

در مطالعه انجام‌شده بر روی خانه‌های نیشابور، نظم توده و فضا از منظر عملکرد فضاها و با توجه به جهات جغرافیایی بررسی شده‌اند. بر اساس مطالعه مذکور، حیاط غالباً در دو جبهه مرکزی و شرقی و فضاهای عمومی نظیر مهمان‌خانه در جنوب تا جنوب غربی و نزدیک ورودی قرار می‌گرفته‌اند (میرسجادی و فرکیش، ۱۳۹۵، ۸۴-۸۳). نظم توده و فضا در خانه‌های قاجاری شیراز عمدتاً به‌صورت کاملاً درون‌گرا (حیاط مرکزی) است و فقط دو باب خانه از مجموع هشت باب خانه مورد مطالعه، به شکل درون‌گرا (توده در سه وجه حیاط) ساخته شده‌اند (زارعی، رازانی و قزلباش، ۱۳۹۶، ۲۳۱).

۳-۶. نوع فضاها: در تمامی نمونه‌های مورد بررسی، فضاهای بسته و فضاهای باز (حیاط) وجود دارند ولی فضاهای نیمه‌باز (ایوان) فقط در چهار باب از خانه‌های قاجاری و شش باب از خانه‌های رضاشاهی دیده می‌شوند. این یافته نشان از این دارد که اگرچه ساخت ایوان در الگوی خانه‌های مشهد چندان با اقبال روبرو نبوده اما در دوره انتقال، به‌تدریج ساخت فضاهای نیمه‌باز که به برون‌گرا شدن خانه‌ها کمک می‌کند متداول شده است.

ولی در خانه‌های شیراز به‌طور میانگین ۱۰ درصد از مساحت اعیان هر خانه به ایوان اختصاص داشته است و این موضوع در ۷۶ درصد از نمونه‌های مورد بررسی صدق می‌کند (زارعی، رازانی و قزلباش، ۱۳۹۶، ۲۳۷). ساخت

خانه‌های قاجاری به نمای خارجی در حد نقوش هندسی (که عمدتاً با ترکیب آجرکاری و کاشی‌کاری همراه بوده) پرداخته‌اند و کم‌وبیش در حد چند گچ‌بری ساده و رنگ‌آمیزی شده با نقوش گیاهی به تزیین فضاهای داخلی توجه نشان داده‌اند. کم‌توجهی و عدم اقبال به تزیینات (چه در نماهای خارجی و چه در فضاهای داخلی) در دوره پهلوی اول شدت بیشتری می‌یابد، هرچند وجود برخی موارد خاص، قابل تعمیم به حجم نمونه و جامعه آماری نمی‌باشند.

از میان مطالعات مشابه، کمتر مقاله‌ای به موضوع تزیینات در کنار کالبد معماری توجه نشان داده است. یافته‌های یک مقاله که موضوع آن درباره گونه شناسی خانه‌های مشهد است با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد (فرح‌بخش، حناچی و غنائی، ۱۳۹۶، ۱۱۴-۱۱۳). یافته‌های تحلیلی حاصل از مطالعه تزیینات نمونه‌ها، در جدول‌های ۱۰ و ۱۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱۰. جمع‌بندی تحلیلی یافته‌ها در خصوص تزیینات نمای خارجی (سمت حیاط) نمونه‌ها (مأخذ: نگارندگان).

دوره	دارای تزیینات	فاقد تزیینات	فنون و مصالح							نقوش			
			آجرکاری	آجرکاری و کاشی‌کاری	آجرکاری و گچ‌بری	آجرکاری، کاشی‌کاری و گچ‌بری	سیمان سفید	هندسی	هندسی و کتیبه	هندسی، کتیبه و تندیس	گیاهی	هندسی، انسانی، گیاهی	هندسی و تندیس
قاجار	۱۰	---	۲	۷	۱	---	---	۵	۴	۱	---	---	---
پهلوی اول	۱۳	۲	۲	۸	---	۲	۱	۲	۶	۲	---	۱	۴

جدول ۱۱. جمع‌بندی تحلیلی یافته‌ها در خصوص تزیینات فضاهای داخلی نمونه‌ها (مأخذ: نگارندگان).

دوره	دارای تزیینات	فاقد تزیینات	فنون و مصالح						نقوش		
			گچ‌بری	گچ‌بری و نقاشی	تزیینات چوبی	آینه‌کاری	چوبی	بخاری دیواری	گیاهی	گیاهی و هندسی	بدون نقش
قاجار	۷	۳	۲	۴	۲	۱	۲	۴	۶	۱	۳
پهلوی اول	۱	۱۴	---	۱	---	---	---	---	۱	---	---

۷. نتیجه‌گیری

واکای موضوع از طریق مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که دگرگونی در سبک و شیوه زندگی مردمان مشهد در دوره انتقال، سبب ایجاد تغییراتی در کالبد معماری خانه‌های ایشان نیز شده است. از جمله مهم‌ترین تحولات اجتماعی که در سطح جامعه و در نوع

زندگی مردم به وقوع پیوست، کشف حجاب بود که در نظام توده و فضای خانه‌های مشهد نیز به‌گونه‌ای معمارانه بروز یافت. به‌عبارت‌دیگر، خانه‌های درون‌گرای دوره قاجار که در حجاب بودند، برون‌گرا شده و حجاب از سر وانهادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان تغییرات در این زمینه بیش از ۳۵ درصد است که این

میزان تغییر در یک بازه کوتاه زمانی می‌تواند بسیار قابل توجه باشد. با دگرگونی در سبک زندگی و بازتعریف عرصه‌های جمعی و خصوصی، ورودی‌های خانه‌ها نیز دستخوش تحولاتی شد. درواقع، ورودی‌های خانه‌های قاجار که برای رسیدن به حیاط دارای سلسله‌مراتب و نظام فضایی خاصی بودند؛ به یک‌باره در دوره پهلوی اول به ورودی‌هایی تبدیل شدند که مستقیماً به حیاط خانه راه می‌یافتند. این تغییر به‌واسطه فرونهادن عنصر محرمیت، از شیوه نوین زندگی به کالبد معماری خانه‌ها راه یافت. نتایج تحقیق، تغییر ۵۰ درصدی نحوه ساخت ورودی‌ها و حذف هشتی و دالان را نشان می‌دهد.

یکی دیگر از تحولات اجتماعی که سبب تغییر در کالبد معماری گردید، شکل‌گیری طبقات جدید اجتماعی (تحت عنوان لشکری و کشوری) بود. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که خانه‌های دوره قاجار عموماً در یک مقیاس بنا می‌شده‌اند. به عبارت دیگر، کالبد خانه نشان چندان از طبقه اجتماعی صاحب آن بر خود نداشت و حتی نمای خارجی خانه نیز اشارتی بدین موضوع نمی‌نمود؛ مگر در مواردی خاص همچون خانه ملک که به علت تعدد مراجعات مردمی به ایشان، از یک الگوی منحصر به فرد (اندرونی، بیرونی) در گونه شناسی خانه‌های مشهد برخوردار بوده است. لازم به ذکر است که این نتیجه منحصر به شهر مشهد است و مطالعات مشابه در مورد خانه‌های قاجاری در سایر شهرها نتایج متفاوتی دارند. اما برخلاف خانه‌های قاجاری، چنین به نظر می‌رسد که طبقات اجتماعی شکل‌گرفته حاصل از نظم نوین اداری رضاشاهی و اختلاف طبقاتی ناشی از آن در کالبد معماری خانه‌های دوره پهلوی اول قابل‌رؤیت است. خانه‌های موسوی پریشانی، طلائی و مولوی در مقیاس کوچک؛ خانه‌های مجیدیان، بهزادیان و مجتهد زاده در مقیاس متوسط؛ و خانه‌های بنی‌هاشمی، توکلی زاده، سروقد و میرزای ناظر در مقیاس بزرگ (اصطلاحاً خانه اعیانی) و در زمینی با مساحت زیاد بنا شده‌اند. تلاش رضاشاه در متحدالشکل کردن لباس مردان و زنان

(که به سبک نوین زندگی مردم بدل شد) سبب گشت تا خانه‌های مشهد که در قیاس با خانه‌های اصفهان و کاشان و ... چندان تزیینات فاخر و شکوهمندی نیز نداشتند؛ همان اندک تزیینات نمای خانه‌ها و تزیینات داخلی را وانهند و مردم مشهد به سمت بهره‌گیری از تابلو، مجسمه، مبلمان و سایر اقسام تزیینی جدید (که به تازگی به بازار ایران وارد شده بود) تمایل یابند. نتایج نشان می‌دهد که اغلب خانه‌ها (۱۴ مورد) فاقد تزیینات داخلی هستند. در مجموع، آنچه از بررسی خانه‌های دوره انتقال در شهر مشهد به‌وضوح به چشم می‌آید این است که تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شهر مشهد (که سبب بروز تحولاتی چشمگیر در شیوه زندگی مردمان شد) به سرعت و طی یک دوره کوتاه‌مدت، خود را در کالبد معماری خانه‌ها نیز نشان داد. حتی وجود عنصر قدرتمندی همچون مذهب نیز عملاً نتوانست حریم شهر مقدس را از تغییر و تحولات عمده اجتماعی (که در سطح کشور در حال شکل‌گیری بود) به دور نگاه دارد. فرونهادن اجباری حجاب، سبب نادیده انگاشتن عنصر محرمیت در خانه‌ها شد. شکل‌گیری طبقات جدید لشکری و کشوری، کم‌رنگ شدن عدالت اجتماعی را در پی داشت و باعث شکل‌گیری خانه‌هایی در مقیاس‌های بزرگ، متوسط و کوچک شد. یکسان‌سازی دستوری همه ظواهر تمدنی (از لباس تا معماری و ...) حق انتخاب را از شهروندان گرفت و تزیینات را که بخشی مهم از معماری خانه‌های ایرانی بود به ورطه نابودی کشاند.

منابع

۱. ابراهیمی، سمیه و اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۸۹) «معماری و شهرسازی ایران در دوره گذار» هویت شهر. سال ۴ (۶)، ۱۴-۳.
۲. ابراهیمی، غلامرضا و سلطان‌زاده، حسین و میرشاهزاده، شروین (۱۳۹۶) «تأثیر نوگرایی سبک زندگی در معماری خانه‌های دوره پهلوی اول، شهر همدان» مدیریت شهری (۴۷)، ۵۲۲-۵۰۵.

۳. ارمغان، مریم و سلطانزاده، حسین و ایرانی بهبهانی، هما (۱۳۹۲) «معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار» پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران دوره ۳ (۱)، ۵۰-۲۹.
۴. اسمعیلی سنگری، حسین و عمرانی، بهروز (۱۳۹۲) «تاریخ و معماری خانه‌های تبریز قدیم» تبریز، انتشارات فروزش.
۵. اعتصام، ایرج (۱۳۷۴) «بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران و اروپا» تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۶. الفت، سعیده و سالمی، آزاده (۱۳۹۱) «مفهوم سبک زندگی» فصلنامه مطالعات سبک زندگی سال ۱ (۱)، ۳۶-۹.
۷. بانی مسعود، امیر (۱۳۹۱) «معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته)» چاپ پنجم، ویرایش دوم، تهران، نشر هنر معماری قرن.
۸. بوردیو، پی یر (۱۳۹۰) «تمایز، نقد اجتماعی، قضاوت‌های ذوقی» ترجمه حسن چاوشیان. تهران، نشر ثالث.
۹. پاسبان خمیری، رضا و رجبعلی، حسن و فرخ‌زاد، محمد (۱۳۹۶) «سیر دگرگونی فضای بسته، فضای سرپوشیده و فضای باز در خانه‌های تاریخی گرگان از دوره قاجاریه به پهلوی اول» مرمت و معماری ایران (۱۳)، ۱۰۶-۹۱.
۱۰. پوراحمدی، مجتبی و یوسفی، مجتبی و سهرابی، مهدی (۱۳۹۰) «نسبت طول به عرض حیاط و اتاق‌ها در خانه‌های سنتی یزد؛ آزمون برای نظر استاد پیرنیا درباره مستطیل طلایی ایرانی» معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا) (۴۷)، ۷۷-۶۹.
۱۱. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۰) «سبک‌شناسی معماری ایران» تدوین غلامحسین معاریان. تهران، نشر پژوهنده و نشر معمار.
۱۲. حیاتی، حامد و اسفندیاری، شادان (۱۳۹۵) «بررسی سازمان‌دهی فضایی خانه‌های سنتی خوزستان؛ مطالعه موردی خانه‌های مستوفی و مرعشی در شوشتر» تحقیقات جدید در علوم انسانی سال ۲ (۳)، ۱۵۸-۱۵۱.
۱۳. حیدری، علی‌اکبر و قاسمیان اصل، عیسی و کیایی، مریم (۱۳۹۶) «تحلیل ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران با استفاده از روش نحو فضا؛ مطالعه موردی، مقایسه خانه‌های یزد، کاشان و اصفهان» مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۲۸) ۳۴-۲۱.
۱۴. خاکپور، مژگان و انصاری، مجتبی و طاهرنیان، علی (۱۳۸۹) «گونه شناسی خانه‌های بافت قدیم شهر رشت» معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا) (۴۱)، ۴۲-۲۹.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۵) «گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد» سخنرانی ارائه‌شده در کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۶. راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) «انسان‌شناسی مسکن» ترجمه خسرو افضلیان. تهران، انتشارات حرفه هنرمند.
۱۷. رجبی، پرویز (۱۳۵۵) «معماری ایران در عصر پهلوی» تهران، انتشارات دانشگاه ملی.
۱۸. رضایی، بهاره (۱۳۹۰) «بررسی تطبیقی روند تغییرات کالبد و کارکرد خانه در دوره انتقال (نمونه‌های موردی خانه‌های اصفهان)» کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.
۱۹. روشندل، زهرا و هاشمی زرج آباد، حسن و قربانی، حمیدرضا (۱۳۹۶) «بررسی سیر تحول ایوان در خانه‌های نهبندان از قاجار تا پهلوی» مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان ۱۱ (۴)، ۷۹-۵۳.
۲۰. رهنما، محمدرحیم (۱۳۷۰) «بررسی علل رشد و توسعه شهر مشهد» کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۱. رهنما، محمدرحیم (۱۳۹۰) «شناسایی و وجه‌تسمیه معابر، محلات و اماکن عمومی بافت قدیم شهر مشهد» مشهد، اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری مشهد با همکاری انتشارات سخن گستر.
۲۲. ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۸۲) «پدیدارشناسی، هنر، مدرنیته» تهران، نشر ساقی.
۲۳. زارعی، هانی (۱۳۹۴) «معماری خانه‌های شیراز؛ دوره قاجاریه» تهران، میراث کتاب.
۲۴. زارعی، هانی و رازانی، مهدی و قزلباش، ابراهیم

- ۱۳۹۶) «بازشناسی الگوی طراحی خانه‌های تاریخی شیراز در دوره قاجاریه با رویکرد اقلیمی» پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران ۷ (۱۳)، ۲۴۲-۲۲۵.
۲۵. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۱) «فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم» تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۶. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۳) «نمایی از ساختمان‌های تهران» تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۷. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۵) «پنجره‌های قدیمی تهران» تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۸. سیدی فرخند، سید مهدی (۱۳۹۲) «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد» مشهد، انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
۲۹. شاهزمانی سیچانی، لادن و قاسمی سیچانی، مریم (۱۳۹۶) «تحلیل هندسه پلان مسکن‌های آغاز سده معاصر در اصفهان بر پایه سازمان‌دهی فضایی» مدیریت شهری ۱۶ (۴۹)، ۱۴۹-۱۳۳.
۳۰. شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۲) «مفهوم سکونت به‌سوی معماری تمثیلی» ترجمه محمود امیر یاراحمدی. تهران، انتشارات آگه.
۳۱. شیرازی، علی‌اصغر و یونسی، میلاد (۱۳۹۰) «تأثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای حکومتی دوره پهلوی اول» مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۴)، ۶۹-۵۹.
۳۲. صحاف، سید محمد خسرو (۱۳۹۰) «تبيين ساحت معنوی در خانه ایرانی (گذشته و حال)» دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۳۳. صفایی، علی‌محمد؛ طبسی، محسن و حقیقی، سمیه السادات (۱۳۹۳) «مشاهده تخصصی در روش تحقیق معماری از طریق مستندسازی (رولوه)» یزد، نخستین همایش روش تحقیق در شهرسازی و معماری.
۳۴. عرب، کاظم (۱۳۷۸) «خانه‌های قاجاری قم» مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. تهران، سازمان میراث فرهنگی، ج ۲، ۱۲۲-۹۹.
۳۵. غفوریان، میترا و پی‌سخن، مینا و حصار و الهام (۱۳۹۶) «گونه شناسی سازمان فضایی و سلسله‌مراتب ورود در خانه‌های ایرانی با تأکید بر محرمیت» برنامه‌ریزی توسعه کالبدی (۷)، ۱۴۴-۱۲۹.
۳۶. فرح‌بخش، مرتضی و خناچی، پیروز و غنائی، معصومه (۱۳۹۶) «گونه شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد از اوایل قاجار تا اواخر پهلوی اول» مطالعات معماری ایرانی (۱۲)، ۱۱۶-۹۷.
۳۷. قبادیان، وحید (۱۳۸۴) «معماری دارالخلافه ناصری (سنت و تجدد در معماری معاصر تهران)» چاپ دوم. تهران، انتشارات پشتون.
۳۸. قبادیان، وحید (۱۳۹۲) «سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران» تهران، نشر علم معمار رویال.
۳۹. قصابیان، محمدرضا (۱۳۷۷) «تاریخ مشهد از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه» مشهد، انتشارات انصار.
۴۰. کیانی، مصطفی (۱۳۸۳) «تأثیرات باستان‌گرایی بر معماری دوره پهلوی اول» تاریخ معاصر ایران (۳۲)، ۷۰-۴۵.
۴۱. کیانی، مصطفی (۱۳۸۳) «معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی اندیشه‌ها؛ پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله معاصر ۱۳۲۰-۱۲۹۹» تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۴۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) «مدرنیت، زمان، مکان» ترجمه حامد حاجی زمانی. تهران، نشر اختران.
۴۳. لنگ، جان (۱۳۸۳) «آفرینش نظریه معماری» ترجمه علیرضا عینی فر. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۴. محمدی، محمود (۱۳۷۴) «تغییر ساختار قدرت در ایران و تغییر شکل شهر» مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲، ۶۲۸-۶۰۵. تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۴۵. مداحی، سید مهدی و معماریان، غلامحسین و بمانی نائینی، مونا و خدادادی، طلیعه (۱۳۹۳) «خوانش و فهم کالبد خانه در معماری بومی خراسان؛ نمونه موردی شهر بشرویه دوره ماقبل پهلوی» مسکن و محیط روستا ۳۶ (۱۵۹)، ۷۸-۶۳.
۴۶. معماریان، غلامحسین و طبرسا، محمدعلی (۱۳۹۲) «گونه و گونه شناسی معماری» معماری و شهرسازی ایران (۶)، ۱۱۴-۱۰۳.

Edited by James S. Duncan. London, Bill-
ing & Sons Limited.

57. Rappaport, Amos (2009) *Anthropology of Housing*. Translated by Khosrow Afzalian. Tehran, Publishing Profession Artist.

58. Tuan, Yi Fu (1997) *Space and place; the perspective of experience*.

۴۷. مقتدایی، مهتا (۱۳۸۵) «پیشنهاد روشی برای تحلیل شخصیت شهر» محیط‌شناسی ۳۲ (۳۹)، ۱۴۰-۱۲۹.

۴۸. میرسجادی، سید امیر و فرکیش، هیرو (۱۳۹۵) «ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در معماری خانه‌های تاریخی نیشابور جهت دستیابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی» پژوهش‌های معماری اسلامی ۴ (۱۳)، ۷۲-۹۰.

۴۹. مینورسکی (۱۳۴۸) «یادنامه ایرانی مینورسکی» به کوشش ایرج افشار. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵۰. وطن‌خواه، کوشا و هداوند، علی (۱۳۹۱) «افول معماری سنتی ایران، چرا و چگونه؟» همایش ملی سدسال معماری و شهرسازی معاصر ایران. کرج، سازمان نظام‌مهندسی ساختمان استان البرز.

۵۱. وتلینگ، جیمز و. (۱۳۹۴) «طراحی مسکن بر پایه سبک زندگی» مترجم حبیب قاسمی. چاپ دوم، مشهد، انتشارات کتابکده کسری.

52. Bachelard, Gaston (2007) *The oneiric house; Housind and dwelling, perspective on modern domestic architecture*. Edited by Barbara Miller, U.K.. Routledge.

53. Marcus, Clare Cooper and Sarkissian, Wendy (1988) *Housing as if people mattered; Site design guidelines for medium density family housing*. L.A.. University of California Press.

54. Moore, Charles and Allen, Gerald and Lyndon, Donlyn (1974) *The place of houses*. New York. Holt.

55. Rapoport, Amos (1969) *House, Form and Culture*. Milwaukee. University of Wisconsin.

56. Rapoport, Amos (1981) *Identity and environment; Cross- cultural perspective*.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۵۸. بهار ۱۳۹۹

Urban managment
No.58 Spring 2020